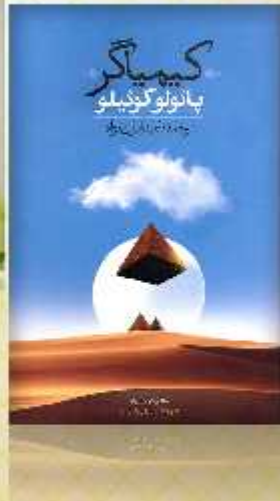
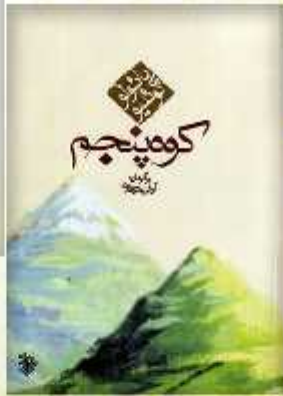
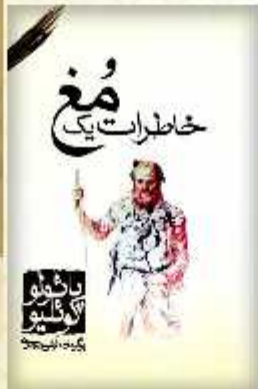


# رسائل

## نقد و بررسی آثار و افکار پائولو کوئلیو



### منفورت‌ترین خلائق چه کسانی هستند؟

امام علی (علیه السلام) می فرماید:

- « او کسی است که خداوند وی را به حال خود واگذارده است »
- « چنین کسی از راه راست منحرف می گردد »
- « چنین کسی به سخنان بدعت آمیز خویش سخت دل می بندد »
- « در راه دعوت به ضلالت گام برمی دارد و از آن خوشحال است »
- « چنین کسی مایه انحراف کسانی است که فرییش را خورده اند »
- « او هم خودش از طریق هدایت پیشینیان، گمراه شده و هم گمراه کننده کسانی است که در زندگی او یا پس از مرگش به او اقتدا می کنند »
- « او بار گناهان کسانی را که گمراه ساخته به دوش می کشد و همواره در گرو گناهان خویش است »

بخار: الانوار جلد ۸۳ ص ۱۵۲

تهران - خیابان انقلاب - مابین خیابان قدس و خیابان وصال شیرازی - کوچه اسکو - شماره ۵۱

معاونت آموزشی - مدیریت امور دروس معارف اسلامی

کد پستی: ۱۴۱۷۸-۲۳۴۱۱

مدیریت امور دروس معارف اسلامی

اداره سنجش و ارزیابی محتوای دروس معارف اسلامی

# ویژه نامه رسا

---

---

## نقد و بررسی آثار و افکار پائولو کوئلیو

---

---

مدیریت امور دروس معارف اسلامی

اداره سنجش و ارزیابی محتوای دروس معارف اسلامی



- فهرست:

- ۵..... مقدمه
- ۷..... تاریخچه
- ۱۱..... علل گسترش آثار پائولو کوئلیو در ایران
- ۱۳..... مهمترین تفکرات در آثار پائولو کوئلیو
- ۱۳..... ۱- افسانه شخصی
- ۱۴..... ۲- روح کیهانی
- ۱۵..... ۳- فرمان قلب
- ۱۵..... ۴- جادو و جادوگری
- ۱۶..... ۵- خدای عاجز و پیامبران عاصی
- ۱۶..... ۶- سکس و عشق
- ۱۷..... ۷- شیطان
- ۱۹..... - مهمترین کتاب های پائولو کوئلیو
- ۱۹..... ۱- کتاب کیمیاگر
- ۲۱..... ۱-۱ نقد کتاب کیمیاگر
- ۲۲..... ۲- کتاب والکری ها
- ۲۴..... ۱-۲ نقد کتاب والکری ها
- ۲۶..... ۳- کتاب شیطان و دوشیزه پریم
- ۲۷..... ۳- ۱ نقد کتاب شیطان و دوشیزه پریم
- ۲۷..... ۴- کتاب کوه پنجم
- ۲۸..... ۴- ۱ نقد کتاب کوه پنجم
- ۲۹..... ۵- کتاب یازده دقیقه
- ۳۰..... ۵- ۱ نقد کتاب یازده دقیقه

- ۳۵.....۶- کتاب بریدا.
- ۳۶.....۶-۱ نقد کتاب بریدا.
- ۳۸.....- مروّجان نشر آثار پائولو کولتلیو.
- ۴۱.....- حمایت سران رژیم صهیونیستی از پائولو کولتلیو.
- ۴۳.....- نتیجه گیری.

## بسمه تعالی

### مقدمه:

انسان، تشنه آموختن و در پی دانستن حقایق است. ارتباطات فرهنگی لازمه عصر جدید می‌باشد که باعث رشد فرهنگ‌های ملل مختلف می‌شود و این تبادلات فرهنگی بصورت مکتوب، فیلم و فضای مجازی و غیره در حال گسترش است. این ارتباطات فرهنگی تا جایی مثبت ارزیابی می‌شود که سنتها و ارزشهای ملل دیگر را تحت الشعاع قرار ندهد. اما اگر این تبادلات منجر به تسلط فرهنگ‌های غالب و صاحبان قدرت در راستای جهانی‌سازی شود و بخواهد سبک زندگی جهان سلطه را بر فرهنگ و ارزشهای فرهنگ‌های دیگر حاکم کند، در اینصورت تهاجم فرهنگی شکل می‌گیرد. کشور عزیز ما ایران با فرهنگ اصیل اسلامی بیش از هزار سال است که با زندگی مردم عجین شده است و حدود نیم قرن حاکمیت اصیل فقهت تشیع که در آن جریان دارد از این تهاجم فرهنگی مستثنی نیست.

یکی از حوزه‌های آسیب‌پذیر در جامعه جوانان و دانشجویان می‌باشند. لذا اساتید دانشگاهها عموماً و اساتید گروه معارف اسلامی خصوصاً باید برای پاسخگوئی به این نوع از تهاجمات فرهنگی تسلط کافی داشته باشند تا برای دانشجویان روشنگری کنند.

مدیریت امور دروس معارف اسلامی در صدد است جهت گسترش اطلاعات رصدی با رصد دقیق فضای مطالعاتی دانشجویان ویژه نامه ای را تحت عنوان (رسا) منتشر نماید. نظر به اینکه آثار پائولو کوئلیو در ۱۵۰ کشور جهان در حال گسترش است و در کشور

ما نیز جوانان آثار ایشان را مطالعه می‌کنند ما را بر آن داشت که به عنوان اولین ویژه نامه رسا به نقد و بررسی آثار و افکار اوپردازیم امید است که اساتید محترم با نظراتشان برای هرچه بهتر شدن این ویژه نامه ما را یاری فرمایند.



## تاریخچه:

کونلیو در سال ۱۹۴۷م در ریودوژانیروی برزیل به دنیا آمد. در جوانی به جنبش هیپی‌ها پیوست و بیشتر جوانی‌اش در خدمت به این جنبش گذشت. این حرکت که از آمریکا شروع شده بود، وقتی به برزیل رسید، تعداد زیادی از جوانان بی‌تجربه را با خود همراه کرد. ماهیت این جنبش، پوچ‌گرایی و نیست‌انگاری بود و البته هنجارشکنی و گرایش‌های ضد سازشکارانه هم در آن به اوج رسیده بود.<sup>۱</sup>

در همین سال‌ها کونلیو دچار بحران معنوی شد. این بحران او را به سمت استفاده شدید از موادمخدر سوق داد و اعتیاد، وی را تا مرز مرگ پیش برد. وی می‌گوید:

سال‌های سخت زندگی من دهه ۱۹۷۰ بود. طی این دوران همه نوع ماده مخدر و توهم‌زا مصرف می‌کردم؛ حتی قوی‌ترین و خطرناک‌ترین آنها را ...<sup>۲</sup>

یادم هست به نیویورک رفته بودم؛ سال ۱۹۷۴. آنجا دوست دختری داشتم. ما با هم در ویلیج زندگی می‌کردیم و تا می‌توانستیم کوکائین مصرف می‌کردیم... کاملاً احساس می‌کردم که راهی به سوی مرگ در پیش گرفته‌ام. خیلی از دوستانم را دیده بودم که اعتیاد، آنها را نابود کرده بود. آن روز احساس کردم که اگر ترک نکنم، عاقبتم مثل آنها خواهد بود.<sup>۳</sup>

اما کتاب زندگی کونلیو ورق دیگری هم دارد؛ دورانی که وی با اصرار والدینش

۱. احمد حسین شریفی، عرفانهای نوظهور

۲. آریاس، اعترافات یک سالک، ص ۱۴۲.

۳. همان، ص ۱۴۳.



در بیمارستان روانی بستری شد.

بار اول پدر و مادرم مرا در بیمارستان روانی بستری کردند؛ مثل یک دیوانه. از نظر سیاسی با مردم درگیر میشدم؛ در مدرسه وضع روزبه روز وخیمتر می شد و مادرم فکر می کرد که من مشکلات جنسی دارم ... همه اینها باعث شد که مرا بستری کنند ... داروهای زیاد و شوک الکتریکی به من می دادند. تقریباً دو ماه در طبقه نهم ماندم، بی آنکه خورشید را ببینم.

کوئلیو دلیل سماجت والدینش را اینگونه بیان می کند:

آنوقت با تمام وجود به موادمخدر و سکس رو کردم. مادرم فکر می کرد من مشکل جنسی دارم و خودم هم فکر می کردم شاید انحراف جنسی داشته باشم؛ چون من فعالیت تنائوری داشتم و در آن محیط، افراد همجنس باز زیاد بودند.

کوئلیو سرانجام پس از اینکه دو بار دیگر با درخواست پدر و مادر در تیمارستان بستری می شود، به بن بست کامل میرسد. وی تا پیش از آن زمان، تصور والدینش را در مورد جنون خود واقعی نمیدانست؛ اما بار آخر می پذیرد که به مرز جنون رسیده است. تمام کتابها را پاره و وسایلش را تخریب میکند. روانپزشک سر میرسد و به وی میگوید: «تو میتوانی زندگی را دوباره شروع کنی. حالا هرچه را تو شکسته ای، ما برمیداریم و داخل سطل آشغال میریزیم.»

کوئلیو در نهایت، نجاتش را مدیون تلاشهای همین روانپزشک میداند.

کوئلیو همچنین از جادو و جادوگری تجربیاتی دارد. او دنیای معنوی را در عالم جادو خلاصه می داند و این تجربه را برای درک عالم معنا ضروری می شمرد. از این رو، پدر شیطان پرستی مدرن، ایستر کرولی، کوئلیو را مسحور خود کرده و او کرولی را انسانی

فوق‌العاده می‌داند. کرولی جادوگری را به‌طور گسترده‌ای ترویج نمود و انجمنی تأسیس کرد که کوئلیو چندی در آن فعالیت کرد. وی موفق شد از نزدیک کرولی را ملاقات کند و در این دیدار مجذوب او شد:

الیستر کرولی نفوذ زیادی بر بسیاری از جوانان داشته است. من با همسرم به دیدار وی رفتیم و او ما را مجذوب خود کرده بود.<sup>۱</sup>

کوئلیو شخصیت و ایده کرولی را چنین توصیف می‌کند:

شخصیتی بسیار شگفت‌انگیز در تاریخ جادو. اگر به چهره‌اش در اینترنت نگاه کنی، می‌بینی که او تجسم شر است. او شخصی شیطانی است ... کتاب او قانون است که مدعی است توسط فرشته‌ای در قاهره بر او نازل شده است ... نظام قدرت او به این شکل خلاصه می‌شود: «ضعیف وجود دارد و قوی. قانون هم قانون جنگل است؛ ضعفا برده‌اند و اقویا قدرتمند و غالب ...». من وارد انجمن سرّی او شدم که نامش را فاش نخواهم کرد ... آن وقت من راثول (خواننده مشهور برزیلی) را به آن انجمن سرّی بردم که در آن آزادی کامل حکم‌فرما بود. هیچ قانونی نداشت؛ تو می‌توانستی موجودی وحشتناک باشی یا آدمی دوست‌داشتنی. آزادی جنسی کامل، آزادی اندیشه کامل، هر جور آزادی، حتی آزادی ظلم کردن.

---

۱. آریاس، اعترافات یک سالک، ص ۱۲۴.

## پائولو کوئلیو و علل گسترش آثار او در ایران

از میان قالبهای ادبی در ادبیات متشور، می توان گفت «داستان کوتاه وداستان بلند» و«رمان» از جمله بهترین قالب ها برای انتقال مفهوم ارزشی، اعتقادی و دینی واز اثر گذارترین آنهاست .

گذشتگان ما به این حوزه توجه ویژه داشتند. داستان های کوتاه مثنوی معنوی، گلستان سعدی، داستان هاییی که در کتاب های حدیثی و اخلاقی مورد توجه بزرگان بوده، و داستان راستان شهید مطهری، همگی از جمله داستان های کوتاهی هستند که هنوز هم طراوت و تازگی خود را حفظ کرده اند. با وجود کارهای خوبی که صورت گرفته، محصولات ما در مقایسه با رمان های ترجمه ای ناچیز است، اگرچه تعداد قابل توجهی از آثار داخلی نیز توسط افراد شرق زده یا غرب زده نگاشته شده است. هرچند امروزه تعداد مخاطبان رمان و به طور کلی، کتاب نسبت به مخاطبان رسانه های صوتی و تصویری ناچیز است، اما نقش اجتماعی و فرهنگی رمان ها را نباید نادیده گرفت، علاوه بر اینکه بسیاری از برنامه های صوتی و تصویری بر اساس کتاب ها و رمان ها تدوین و تولید می شود. نکته حایز اهمیت این است که در حال حاضر، خوانندگان کتاب های رمان و داستان در رتبه اول بعد از کتاب های درسی و کمک درسی قرار دارند. جذابیت و اثرگذاری این عرصه موجب شده است که حتی برخی از ادیان و معنویت های نوظهور اندیشه های خود را در قالب رمان و داستان عرضه کنند. برای نمونه، می توان به آثار پائولو کوئلیو اشاره کرد که تقریبا تمام آثارش در قالب رمان و داستان های کوتاه و بلند عرضه شده و توانسته است مخاطبان فراوانی در دنیا و به ویژه در کشور ما

جذب کند و بسیاری از اندیشه های لیبرالیستی و ضددینی خود را به صورت نامرئی و پنهان به خوانندگان منتقل نماید.<sup>۱</sup>

آمریکا امروزه به جای راهبرد جنگ فیزیکی، «جنگ نرم» را برای گسترش سیطره نفوذ خود انتخاب نموده است. تلاش در الگو معرفی کردن اندیشمندان سکولار برای کشورهای هدف، یکی از مهم ترین ابزارها در این زمینه است. از این روست که عرفان پائولو کوئلیو نیز از سوی ادبیات استعمار نو حمایت می شود؛ چراکه عرفان او یک سلوک شخصی و مروج پلورالیسم، نسبیت گرایی و مدارا با ظلم است. افکار و آموزه هایی که از سوی عرفان های نوظهور، به ویژه در دهه اخیر، در کشور شیوع پیدا کرده آسیب هایی جدی متوجه عقاید نسل جوان کرده است که سیاست گذاری برای مقابله با آنها را ضروری می نماید. اما برای سیاست گذاری، پیش از هر چیز باید شناخت صحیح و دقیقی از هریک از این عرفان نماها پیدا کنیم تا متناسب با این شناخت، راه های برخورد با آنها تدوین شود. چه بسا عدم شناخت دقیق ماهیت هر کدام و همچنین میزان نفوذ آنها در نقاط گوناگون کشور، چگونگی گسترش، و شیوه های تبلیغی سبب شود تا سیاست های مقابله ما به جای تضعیف، به تقویت آنها منجر شود.

اما در رابطه با پائولو کوئلیو، آثاری به رشته تحریر درآمده که عمدتاً معطوف به توصیف و نقد افکار باطل اوست که می توان به کتاب های آفتاب و سایه ها و نگرشی بر آراء و اندیشه های پائولو کوئلیو نوشته محمدتقی فعالی اشاره کرد که اولی به صورت مختصر و دومی مفصل تر به این مطلب پرداخته است. همچنین

۱. احمد حسین شریفی، جنگ نرم، ص ۱۰۲ - ۱۰۴

مقاله های «نقد و بررسی دین از نگاه پائولو کوئلیو»<sup>۱</sup> و «نقد و مبانی خداشناسی و انسان شناختی پائولو کوئلیو»<sup>۲</sup> به چاپ رسیده که اولی دیدگاه های دین شناختی و دومی مبانی خداشناختی و انسان شناختی کوئلیو را به نقد کشیده که البته به نسبت دو کتاب اول منظم تر و دسته بندی شده تر است. اما در تحقیقات گذشته، کمبودی احساس می شود و آن نگاه جریانشناسانه به آثار کوئلیو است. این ویژه نامه تلاش دارد به نقد و بررسی آثار و افکار پائولو کوئلیو بپردازد. برای پاسخ به این سؤال اصلی، به دنبال پاسخ به برخی سؤالات فرعی است؛ از جمله: مهمترین تفکرات پائولو کوئلیو چه بوده است؟ مهمترین کتاب های پائولو کوئلیو چه کتاب هایی هستند؟ مروجان نشر آثار پائولو کوئلیو در ایران چه کسانی هستند؟ علل حمایت سران رژیم صهیونیستی از آثار پائولو کوئلیو چه بوده است؟

## مهمترین تفکرات در آثار کوئلیو

### ۱. افسانه شخصی

اصطلاح «مکتوب» از واژه های مورد علاقه کوئلیو است. این واژه در اندیشه های وی واژه ای کمکی، کوئلیو حتی خود را متعهد می داند به کسانی که این مفهوم را پذیرفته و به آن عمل می کنند، کمک مالی کند:

من تا زنده هستم، به افرادی که افسانه شخصی شان را دنبال کنند،

---

۱. حامد حسینیان، «نقد و بررسی دین از نگاه پائولو کوئلیو»، معرفت کلامی، ش ۵، بهار ۱۳۹۰، ص ۱۵۹

۱۸۷ -

۲. حامد حسینیان، «نقد و مبانی خداشناسی و انسان شناختی پائولو کوئلیو»، حکمت عرفانی، ش ۱، پاییز ۱۳۹۰، ص ۱۳۳-۱۶۴

کمک مالی خواهیم کرد. ممکن است این رؤیا خرید یک گیتار باشد  
یا یک کلکسیون کتاب و یا یک سفر زیارتی<sup>۱</sup>

کوئلیو در توضیح افسانه شخصی می‌گوید:

به‌نظر من خداوند برای ما سرنوشتی در نظر گرفته است؛ افسانه  
شخصی ما را؛ چیزی که ما را به خوشبختی می‌رساند. در این صورت  
با وجود تمام مشکلات، زندگی ما معنادار خواهد بود ... از لحظه‌ای  
که افسانه شخصی ما را انتخاب می‌کنیم، باید به‌خاطرش بجنگیم؛ این  
چیزی است که برای ما «نوشته شده». ولی می‌توانیم آن را فراموش  
کنیم و راهی را انتخاب کنیم که برای ما «مکتوب» نیست. بدین ترتیب،  
«مکتوب» سرنوشت ماست؛ آنچه برای ما رقم خورده است، سرنوشت  
محتوم و حکمی غیر قابل تغییر و از پیش تعیین شده.<sup>۲</sup>

## ۲. روح کیهانی

کوئلیو در آثارش به تبلیغ مفهوم معنوی‌ای به‌نام «روح کیهانی» پرداخته است. واژه  
روح کیهانی به‌معنای حقیقتی نامرئی در هستی است که می‌تواند زبان مشترک  
موجودات باشد. این زبان مشترک همان زبان عشق است. وی می‌گوید: «وقتی از  
ژرفای قلبت چیزی را طلب کنی، به روح جهان نزدیک‌تری. روح جهان همواره

۱. یونگ، ضمیر پنهان، ص ۷۱، ۲. کوئلیو، پدران، فرزندان و نوه‌ها، ص ۳۰.  
۲. آنچه تحت عنوان (صورت‌های مثالی) یا (ضمیر ناخود آگاه جمعی) در آثار یونگ آمده است.

نیروی مثبتی است.<sup>۱</sup> او روح کیهانی را همان قدرتی می‌داند که جادوگران به آن دست یافته‌اند.<sup>۲</sup>

کوللیو مفهوم «روح کیهانی» را از اندیشه‌های یونگ اقتباس کرده<sup>۳</sup>، آن را پرورانده، جایگاه آن را در هستی (از نظر قدرت تصرف و تدبیر امور) بسان خدا بال و پر داده است. یونگ ضمن اینکه ضمیر ناخودآگاه را تنها سرچشمه تجربه دینی می‌داند، نه آن را خدا تلقی می‌کند و نه معتقد است جای خدا را می‌گیرد.<sup>۴</sup>

### ۳. فرمان قلب!

کوللیو معنویتی که مروج آن است را برای تحقق عشق به میدان می‌آورد و عشق هم با یک چیز حاصل می‌شود؛ گوش دادن به نداها، درون و خواسته‌های دل. در این مسیر ندای خوب و بد معنا ندارد؛ حتی اگر قلب، انسان را به گمراهی برد و قصد خیانت به انسان داشته باشد، باز گوش سپردن به فرمان قلب است که باعث حیات معنوی انسان می‌شود.<sup>۵</sup>

### ۴. جادو و جادوگری

جادو نه تنها با آثار کوللیو درآمیخته، که با زندگی و روح وی عجین است. این پیوند چنان عمیق است که در بسیاری از نوشته‌ها و گفته‌ها، وی «جادوگر» خطاب

۱. همو، کیمیاگر، ص ۹۳.

۲. همان، ص ۸۵ و ۹۵.

۳. یونگ، ضمیر پنهان، ص ۷۱.

۴. آنچه تحت عنوان «صورت‌های مثالی» یا «ضمیر ناخودآگاه جمعی» در آثار یونگ آمده، از نگاه او واسطه‌ای است که تجربه دینی از آن جاری می‌شود. (همان)

۵. همو، شیطان و دوشیزه پریم، ص ۱۷۷.

۶. همو، کیمیاگر، ص ۱۲۴ و ۱۲۸؛ همو، والکری‌ها، ص ۱۲۴ - ۱۲۳ و ۱۲۶.

می‌شود. او این‌گونه خطاب را می‌پسندد و به آن افتخار می‌کند.

### ۵. خدای عاجز و پیامبران عاصی

خدای کولئو از آنجاکه قادر مطلق نیست، هم نیازمند است و هم شکست‌پذیر؛ به‌گونه‌ای که شر و تاریکی می‌تواند بر او غالب شود و نقشه‌ها و طرح‌های او را نقش بر آب نماید. این خدا، اهل خطا و لغزش است؛ امیال منفی در او پدید می‌آید؛ هم اهل تمناست و هم اهل پشیمانی؛ خلاصه اینکه، خدای کامل و متعالی نیست.

در نوشته‌های کولئو گاهی خدایی غیر عادل به تصویر کشیده می‌شود؛ «خدایی بی‌رحم که همواره می‌سازد و ویران می‌کند.»<sup>۱</sup> خدای غیر عادل کولئو، موجود منفعلی است که به‌دست مخلوقات خود تحریک‌پذیر است! این خدا فقط برای اینکه به شیطان ثابت کند ایوب پیامبر، انسان خوبی است، بدون وجود مصلحتی دیگر، به بدترین صورت وی را عذاب می‌کند؛ تا جایی که ایوب به کفرگویی می‌پردازد! البته پس از کفرگویی ایوب هرچه را که خداوند از وی گرفته.

### ۶. سکس و عشق

کولئو دیگران را به نشاط روحی دعوت می‌کند و بر این نشاط درونی «عشق» نام می‌نهد. سرنوشت عشق در اندیشه وی با دو مفهوم دیگر پیوند می‌خورد؛ نیمه گم‌شده و سکس. او از یک سو بدون کشف نیمه گم‌شده، عشق را غیرممکن می‌داند و از سوی دیگر، دسترسی به نیمه گم‌شده را در سکس و ارتباط آزاد جنسی به تصویر می‌کشد. رسالت دو شخصیت اصلی کتاب‌های یازده دقیقه و بریدا، یعنی

۱. همان، ص ۱۴۹.



ماریا و بریدا، کشف نیمه گم‌شده و آنگاه دستیابی به حیات معنوی است. عشق در اندیشه وی نه عشقی آسمانی، که صورتی دیگر از عشق زمینی و گرایش شهوانی است:

اکنون همه به‌دنبال نیمه گم‌شده خود می‌گردند تا او را در آغوش بگیرند و با این کار، نیروی گذشته، قدرت پرهیز از خیانت، مقاومت، تحمل و سایر محسنات گم‌شده را دوباره به‌دست بیاورند. ما این در آغوش گرفتن را که یکی شدن دو جسم از هم جداشده را به‌دنبال خود دارد، سکس می‌نامیم.<sup>۱</sup>

## ۷. شیطان

پرداختن کوئلیو به پدیده‌ای به‌نام «شیطان» سزاوار تحسین است؛ چون بسیاری از آدمیان توجهی به این دشمن ندارند و از وسوسه‌های او غافلند. بازگشت کوئلیو به این «حقیقت پنهان زندگی انسان‌ها» از نقاط قوت اوست؛ اما باید اذعان کرد تصویری که کوئلیو از شیطان و قدرت‌های او دارد، بازخوانی اعتقاد شیطان‌پرستان است.

در نوشته‌های کوئلیو، سه محور در باب شیطان قابل ذکر است. این‌سه در کنار هم به تقدس جایگاه شیطان و پذیرش نظام دوقطبی از عالم منجر می‌شود. وی از یک طرف حقیقت انسان را شرارت معرفی می‌کند<sup>۲</sup> و از طرف دیگر با معرفی خدای عاجز و منفعل، شیطان را در عرض خدا، در تدبیر هستی سهیم می‌داند؛ البته هستی‌ای تاریک و سیاه که بیشتر با حاکمیت شیطان و تسلط او سازگار است.<sup>۳</sup> در

۱. همو، *یازده دقیقه*، ص ۱۹۸.

۲. ر.ک به: همو، شیطان و دوشیزه پریم، مقدمه کتاب و همین‌طور متن کتاب (سیر نبرد خیر و شر در داستان و نقش پریم در داستان).

۳. چهره‌ای که کوئلیو از جهان به نمایش می‌گذارد، چهره‌ای تاریک است که با چیرگی شرارت و ظهور پلیدی‌ها همراه است.

گام سوم نه تنها تصویری بی‌ضرر از شیطان به مخاطب نشان می‌دهد، که او را امین و یاور آدمی معرفی می‌کند. شیطان هرچند بی‌ضرر است، اما می‌تواند سرنوشت انسان‌ها و جوامع را تغییر دهد و قدرت حلول و تصرف در جان و روان دیگران را دارد.

## مهمترین کتابهای پائولو کوئلیو:

### ۱- کیمیاگر:

داستان کیمیاگر، ماجرای پسری است به نام سانتیاگو که در شهر زیبای آندلس زندگی می‌کند و به چوپانی مشغول است. آندلس، شهری که توریست‌های زیادی را بخاطر داشتن دهکده‌ها تاریخی و طبیعت سرسبزش به خود جذب می‌کند. این زیبایی‌ها توجه سانتیاگو را به خود جلب کرده بود.<sup>۱</sup>

سانتیاگو چوپانی است که به گله‌اش علاقه زیادی دارد با اینکه می‌داند گوسفندهایش فقط به آب و غذا فکر می‌کنند و هیچوقت متوجه سرسبزی طبیعت که در آن هستند نمی‌شوند و زیبایی غروب را نمی‌بینند و نمی‌توانند آن را تعریف و یا تحسین کنند اما در کنار گوسفندانش سفر می‌کند.

پدر و مادر سانتیاگو به دلیل اینکه همیشه برای بدست آوردن همه چیز تلاش زیادی کرده‌اند آرزوهایشان را فراموش کرده‌اند. اما سانتیاگو سواد خواندن و نوشتن دارد و تا سن ۱۶ سالگی در صومعه آموزش می‌بیند آن هم به این دلیل که پدر و مادرش دوست داشتند او کشیش و مایه سر بلندی و غرور آنها شود. سانتیاگو از دوران کودکی آرزو داشت دنیا را ببیند و کشف کند. آرزوی کشف کائنات، آرزوی پیدا کردن خود و شناخت خود واقعی‌اش و در نهایت شناخت خدا، هم آرزو و هم اهداف سانتیاگو است و مطمئن است یک روز به آن خواهد رسید.

سانتیاگو برای اینکه به سفر برود و بتواند جهان و هستی را بشنود چوپانی را انتخاب می‌کند. یک شب گوسفندهایش را به کلیسایی متروک می‌برد. آنجا خوابی عجیب را برای دومین بار می‌بیند.

---

۱. کیمیاگر، ص ۸

« با گوسفندهایم در چراگاهی بودم. بچه‌ای سر رسید و با حیوانات شروع کرد به بازی... خیلی دوست ندارم هرکسی بیاید و با گوسفندهایم بازی کند، آن‌ها از آدم‌هایی که نمی‌شناسند می‌ترسند، اما هر از گاهی بچه‌ها می‌توانستند با آن‌ها بازی کنند بی آن‌که میش‌ها بترسند. این برایم جالب بود که بدانم حیوانات چگونه سن آدم‌ها را تشخیص می‌دهند؛ چرا از بچه‌ها نمی‌ترسند و با آن‌ها زود انس می‌گیرند؟ پسر بچه، مدتی با میش‌هایم بازی کرد، اما ناگهان به سمت من آمد، دستم را گرفت و مرا تا اهرام برد. در مقابل اهرام مصر پسرک به من گفت، اگر تا این‌جا بیایی، گنجی به دست خواهی آورد... زمانی که می‌خواست محل دقیق گنج را نشانم دهد، هر دو دفعه از خواب پریدم.»

سانتیاگو در ادامه خوابی که دیده است به دنبال یک کولی می‌رود تا خوابش را تعبیر کند. او در طی مکالماتی که با آن پیرزن دارد به او قول می‌دهد بعد از پیدا کردن گنج، یک دهم آن را به او بدهد<sup>۱</sup>.

سانتیاگو با توجه به حرف‌های زن کولی که می‌گوید من فقط تعبیر خواب بلدم و راه رسیدن به این گنج را بلد نیستم تصمیم می‌گیرد خواب‌ها را باور نکند و به آنها دل نبندد.

او در یکی دیگر از سفرها به همراه گوسفندهایش، زمانی که برای استراحت در ورودیه یکی از شهرها نشسته بود با پیرمردی برخورد می‌کند که زندگی او را برای همیشه تغییر می‌دهد. پیرمرد حرف‌هایی می‌زند که سانتیاگو را تکان می‌دهد و به

۱. همان، ص ۱۸.

دنبال کردن خواسته‌ها و آرزوهایش تشویق می‌کند.

### ۱-۱ نقد کتاب کیمیاگر

در مورد کتاب کیمیاگر - که پرفروش‌ترین و مشهورترین کتاب کوئلیو بوده است باید گفت با وجود اینکه اصل داستان را از مثنوی مولوی گرفته، در کتاب هیچ اشاره‌ای به این اقتباس نمی‌کند و مایل است ابتکار داستان به نام خودش تمام شود. البته در مسافرتش به ایران مجبور می‌شود پرده از این راز بردارد و چندین بار در میان مخاطبان ایرانی‌اش به اقتباس آن اذعان کند.

هرچند کوئلیو پاره‌ای از عناصر داستان را تغییر داده و عناصر جدیدی همانند افسانه شخصی، روح کیهانی و جادو را وارد کرده، سوگمندها آنچه کیمیاگر را از محتوا انداخته و اساس آن را سست و تهی نموده، همین ابتکار نابجاست. کاش وی تقلید خود از مولوی را کامل می‌نمود و همچون شاگردی هشیار، جهان‌بینی مولوی را نیز در این سیر معنوی لحاظ می‌کرد و همچون مولوی، غایتی منطقی و همگانی و کیمیایی حقیقی به نام خالق هستی را معرفی می‌کرد، نه هدفی افسانه‌محور، آن‌هم از نوع شخصی و فردی؛ کاش تصویری صحیح از ذات خداوند ارائه می‌کرد و با ایده روح کیهانی، نوشته خود را آلوده نمی‌ساخت؛ کاش به جای تبلیغ جادو، با پذیرش آموزه‌های وحیانی، در مقابل دین سر تسلیم فرود می‌آورد و به جای تبلیغ جادوگری، به دستورهای دینی دعوت می‌کرد. صد تأسف که مراد مولوی از گنج، که گنج معنوی درون انسان و سرمایه‌های الهی وجود آدمی است، در کتاب کیمیاگر به طلا و نقره و جواهر تبدیل شده، کسب فضایل اخلاقی به افسانه شخصی مبدل

گردیده و به جای دیانت، جادو و تقدس پیدا کرده است!

## ۲- والکری ها:

موضوع کتاب والکری ها در مورد تسخیر فرشته نگهبان است. والکری ها دسته ای از زنان بیابان گرد هستند که در شهرهای مختلف در دل بیابان، باز شدن دروازه های بهشت را موعظه می کنند و گویا دائماً با فرشتگان خود در تماس هستند. اگر پائولو ملاقات با فرشتگان را از والکری ها بیاموزد زندگی اش دگرگون خواهد شد. سردسته والکری ها زنی به نام والهالا می باشد که پائولوبه دنبال او می گردد تا از طریق ایشان بتواند با فرشته اش ارتباط برقرار کند. زمانی که پائولو به استادش جی تنها نسخه دست نوشته کتاب معروفش یعنی کیمیاگر را می دهد داستان آغاز می گردد. پائولو می گوید «من درست زمانی که بسیار نزدیک به رویاهایم شده ام، حس کردم آنها را از دست داده ام» در پاسخ استاد به او میگوید «فرشته نگهبانت را پیدا کن، فقط آن وقت است که میتوانی نفرینت را از بین ببری.»

بدینگونه سفر چهل روزه پائولو وهمسرش کرسستینا در دل صحرای زیبا و گاه خطرناک مُجاوی آغاز می شود.

یک شب پائولو یک بطری کامل شراب نوشید و مست شد، آن وقت به چیزی اعتراف کرد که کریس خودش می دانست. هفت سال بود که خود را وقف یادگرفتن جادو کرده بود. پائولو میخواست به همسرش کریس یاد بدهد که «روی ذهن دوّم تمرکز کن» برقراری ارتباط با دنیای نامرئی از طریق کانال چهارمین راه بود. (یکی از راه ها بود)

کانال زدن! بارها مردم را دیده بود که در ماشینشان وسط ترافیک با خودشان حرف میزنند و بی آن که بدانند مشغول انجام دادن یکی از پیچیده ترین مراحل جادو بودند. در عین حال این کار خیلی ساده بود، فقط باید جای آرامی بنشینید و به افکاری که در اعماق ذهنت پیدا می شوند توجه کنید. از آغاز خلقت، آدم ها میدانستند اگر قرار باشد با خدا ارتباط برقرار کنند باید روحشان جایی برای او باز کند. باید اجازه دهند نیروی معنیشان بروز پیدا کند و پلی بین دنیای مرئی و دنیای نامرئی ایجاد کنند و این در واقع کنار زدن دین و مناسک و آیین است که خداوند برای عبادت بندگان قرار داده است.<sup>۱</sup>

یک روز پائولو روی کاناپه نشست. چیزی او را به سمت سیاه چاله ای میکشاند که به نظر می رسید در وسط اتاق ایجاد شده است. صداهایی شنید: صدای خندیدن، حرف زدن و شکستن. هرگز چنین چیزی تجربه نکرده بود. شش سال تمام جادوگری کرده بود. همه ی آیین ها را به جا آورده بود ترسش بیشتر شد. انگار او را از بدنش بیرون کشیده و به سمت دنیای تاریکی، آن قهقه ها و آن صداهای واقعی بود. به این فکر بود که شریکش بگوید دچار خلسه شده و با شیاطین در ارتباط است. تلفن زنگ زد و او آرژلیا بود. پائولو؟ صدام رو میشنوی؟ بیا خونه من!

اتفاق عجیبی داره می افته! «چی شده؟»

خودت میدونی پائولو! تو رو خدا بهم توضیح بده!

پائولو وحشت کرد. چند دقیقه، بی آن که به چیزی فکر کند آن جا نشست. تاریکی کم کم او را فرا گرفت و او را تا رودخانه ی مرگ میبرد. قرار بود بمیرد، به خاطر همه ی کارهایی که با بی ایمانی انجام داده بود، به خاطر همه آدم هایی که بی آن که بدانند آن هارا درگیر این مساله کرده بود. تاریکی نشان داده بود که

وقتی عمل میکند، پائولو باید هزینه ای برای آن پرداخت کند. قبلاً نمیخواست بداند هزینه اش چیست. پائولو و آرژیللا هر دو زدند زیر گریه. آرژیللا گفت: مادرم رو میخوام... مادرم رو میخوام. پائولو هم همینطور می خواست از پدر و مادری که سال ها پیش آنها را ترک کرده بود و به دیدنشان نمی رفت، از آنها کمک بخواد. هر دو برای فرار از شیاطین زیر دوش آب رفتند. انجیل را در آغوش گرفت و دعاهایی را که در بچگی یاد گرفته بود خواند مثل: «پدرها»، «سلام به مریم مقدس»، «اعتقاد نامه رسولان».

پائولو سرش را بالا آورد. دیگر گریه نمیکرد و نمیترسید فقط تاوان کفرش را میداد.

خداوندا ایمان دارم. مرا در تردیدم دریاب. میخواهیم معامله کنیم. حاضری هر چیزی را در ازای رستگاری روحمان بدهیم. زندگیمان را و هر چه داریم می دهیم. خدایا این را از ما بپذیر.

زن با تحقیر نگاهش می کرد. همیشه پائولو در نظرش مردی قدرتمند، عجیب و جسور بود که تحسینش می کرد. مردی که آدم های زیاد را به جامعه ی جایگزین دعوت کرده بود، مردی که جهانی را ترویج داده بود که در آن هر کاری مجاز بود و قدرتمندان بر ضعیفان حکومت میکردند. حالا در مقابلش مردی بود که گریه میکرد. مادرش را میخواست و مثل بچه ها دعا می کرد.<sup>۱</sup>

## ۲-۱ نقد کتاب والکری ها

جادو نه فقط با آثار کولئو در آمیخته است که با زندگی و روح وی عجین است. این پیوند چنان عمیق است که در بسیاری از نوشته ها و گفته ها وی «جادوگر»

۱. والکری ها ص ۱۰۱



خطاب می شود. وی این گونه خطاب را می پسندد و به آن افتخار هم می کند. کتاب «والکری ها بازگویی یکی از سفرهای جادویی کوئیلوست و او خود را به عنوان قهرمان این داستان در این سفر به مخاطبانش معرفی می کند و همسرش را نیز در این سفر با خود همراه می کند. کوئیلو مهم ترین کتاب خود یعنی کیمیاگر را به استاد جادوگری خود «جی» تقدیم کرده است.

«جادوگری یکی از راه های نزدیکی به خرد اعظم است اما هر کار دیگری که آدم می کند، تا زمانی که با قلبی سرشار از عشق کار می کند، می تواند او را تا این مرحله برساند.»

باید توجه داشت که جادو در طول تاریخ رقیب دین بوده است و جادوگر رقیب پیامبران الهی. جادو هر چند واقعیت دارد، اما حقیقت ندارد؛ یعنی بهره ای از تعالی و حقیقت در عالم جادو یافت نمی شود. جالب توجه این که پائولو بیشتر سعی دارد بجای راهنمایی به سمت مکتب انبیاء مردم را بسوی کولها و رمالها و جادوگران سوق دهد. و این مطلب در کتابهای ایشان مثل کیمیاگر و والکری ها بوضوح یافت می شود.

در پایان پائولو ایمان را در دیدن عالم نامرئی و عالم ارواح و شیاطین و فرشتگان میدانند در حالی که خداوند در قرآن کریم میفرماید: الذین یومنون بالغیب و یقیمون الصلوه و مما رزقناهم یونفقون<sup>۱</sup>

یعنی مومن کسی است که ایمان به غیب دارد نه بدنال کشف غیب باشد. ایمان، اعتقاد به غیب است و هدف از خلقت انسان عبادت خداوند است نه تلاش برای دیدن عوالم غیبی. البته اگر کشف غیب

۱. سوره بقره آیه ۳

از سوی خداوند صورت گیرد، افاضه الاهی است. ولی تلاش برای دیدن غیب اعتبار ایمان را زیر سوال میبرد و یک عمل نفسانی است نه عمل الهی و برای انسان باعث حجاب خواهد شد.

### ۳- شیطان و دوشیزه پریم:

در هستی انسان ها خوبی و بدی دو مقوله ی اخلاقی هستند که در مقابل هم قرار می گیرند و می توان گفت خیر و شر که در نهاد زندگی بشر است متضاد هم هستند. در رمان شیطان و دوشیزه پریم نوشته ی پائولو کولئو، به این موضوع پرداخته شده که در یک طرف خداوند و نیکی قرار گرفته و در سوی دیگر بدی و شیطان وجود دارد.

محتوای اصلی کتاب همانند تمام نوشته های پائولو کولئو محتوایی است با نگاهی فلسفی - عرفانی، در این رمان با محتوایی نسبت به نیکی و بدی، پاکی و زشتی در نهاد و هستی انسان رو به رو هستیم.

کولئو در قسمتی از پیشگفتار داستان شیطان و دوشیزه پریم می نویسد:

ایزد زمان - زروان - پس از خلق گیتی، هماهنگی گرداگردش را دریافت، اما کمبود بسیار مهمی را احساس کرد. یک همراه که در این زیبایی با او سهیم شود. یک هزار سال برای آوردن پسری نیایش کرد. داستان نمی گوید به کدام درگاه نیایش کرد؛ چون او قادر متعال بود، پروردگار یگانه و اعلی؛ هرچه کرد، تا سرانجام باردار شد. آنگاه که ایزد زمان به تمنای دلش دست یافت، پشیمان شد؛ زیرا

دریافت تعادل جهان بسیار ناپایدار شده است. اما دیگر بسیار دیر شده و پسرش در راه بود. پشیمانی‌اش فقط به یک نتیجه انجامید؛ پسر دیگری نیز در زهدانش پدید آمد. اسطوره می‌گوید از نیایش آغازین خدای زمان، نیکی (هورمزد) پدید آمد و از پشیمانی‌اش، بدی (اهریمن) جفت و همزاد هورمزد شد. پدر نگران، همه‌چیز را چنان نظم داد تا هورمزد پیش از برادرش از زهدان بیرون بیاید تا اهریمن را از شر رساندن به جهان بازدارد؛ اما از آنجاکه بدی چیره‌دست و توانا است، اهریمن توانست به نیرنگی پیش از هورمزد زاده شود و پیش از او ستارگان را ببیند.

### ۳-۱ نقد کتاب شیطان و دوشیزه پریم

کوئلیو با این نگرش نه تنها طبیعت انسان را آمیخته با بدی و شرارت می‌داند، بلکه انسان و زندگی او را متأثر از بدی‌ها و محکوم به شرارت معرفی می‌کند. در نگاه وی چون طبیعت انسان آمیخته با بدی است، پس انتظار اینکه انسان به موجودی تخریب‌گر تبدیل شود، چندان دور از توقع نیست. با همین نگاه، جهنم رفتن انسان که پس از ارتکاب گناهان اتفاق می‌افتد، مورد عشق و علاقه خدا بوده است.

### ۴- کوه پنجم

این کتاب قصه پیامبری از بنی اسرائیل است که از دست حاکم ظالم منطقه آخاب فرار می‌کند. ایلای پیامبر به خانه ی یک زن بیوه پناهنده شد، بیوه زن از وی

تقاضای شفای فرزندش را کرد و ایلیا دعا کرد ولی بچه از دنیا رفت. بزودی مردم شهر خبر را را به حاکم رساندند و ایلیا دستگیر شد. حاکم شهر ایلیا را محکوم به اعدام پس از بازگشت از فراز کوه پنجم کرد که بطور عادی کسی از آن زنده باز نمی گشت. ایلیا پس از بازگشتن از فراز کوه پنجم بر بالین فرزند مرده، زن بیوه حاضر شد و با دعای خود او را زنده کرد. و این اتفاق موجب تحیر حاکم و مردم شهر شد. ومورد اکرام مردم و حاکم قرار گرفت.<sup>۱</sup>

#### ۴-۱ نقد کتاب کوه پنجم

پیامبری که پائولو معرفی می کند، در حدّ فهم خود پائولو از پیامبری است، نه آن پیامبری که خداوند به جهانیان معرفی کرده است. پیامبر پائولو حتی به اندازه یک انقلابی معمولی هم شجاعت و استقامت ندارد به همین جهت گاهی پشیمان می شود و گاهی به خدا اعتراض می کند.

و می گوید: «چرا مرا برای این کار برگزیده ای خداوندا؟ آیا نمی بینی قادر نیستم آنچه را از من خواسته ای انجام دهم؟»<sup>۲</sup> «از فرار خسته شده بود و می دانست هیچ کجا نمی تواند جایش را در دنیا پیدا کند حتی اگر موفق می شد بگریزد، نفرینش را با خود به شهری دیگر می برد و فاجعه های دیگری به وقوع می پیوست، هر کجا می رفت سایه ی آن مرگ ها را با خود می برد. ترجیح می داد سینه اش دریده شود و سرش از تن جدا گردد»<sup>۳</sup>. آنچه در این عبارات بیان شده است نه تنها سزاوار یک پیامبر نیست حتی سزاوار یک انسان آگاه و یک مؤمن معمولی هم نیست. البته

۱. کوه پنجم، ص ۴۹

۲. کوه پنجم، ص ۶۳ و ۶۴

۳. کوه پنجم، ص ۶۷

پائولو که معجونی از جادوگری و کمونیستی و مسیحیت و اندکی یهودیت می‌باشد بیش از این انتظار نمی‌رود. وقتی در کتاب آسمانی مطرح در سرزمین او پیامبر با عظمتی چون سلیمان و داود (علیهم السلام) به خاطر یک زن مرتکب خلاف آشکار می‌شوند، از پائولو که بزرگ شده‌ی چنین محیطی است چه انتظار می‌رود؟! در جایی دیگر پیامبری را که با فرشته خدا صحبت می‌کند، پیامبر خداوند را به اشتباه کاری متهم می‌کند حتی در ترسیم پائولو از خدا و رسولش، هر دو گنهکارند، گاهی گناهان خدا از گناهان رسولش بیشتر می‌شود و پیامبر می‌گوید: «خداوند، من هم صورت بلندی از گناهان تو نسبت به خودم دارم، اما از آنجا که امروز روز کفاره است، بخشش خودت را به من عطا کن و من تو را خواهم بخشید. بدین ترتیب می‌توانیم در کنار یکدیگر به راه ادامه دهیم»<sup>۱</sup>.

هدف از ترسیم چنین خدایی، که اشتباه می‌کند، این است که به انسان در راه معنویت القاء شود: خداوند هم اشتباه می‌کند. از این‌رو، او نباید نگران اشتباهات خود باشد. کوئیلو برای جان‌های تشنه معنویت و سیر به سوی خداوند، دنیایی می‌گشاید که در تخیل و توهم آن‌ها تحقق دارد. او به جای یک سیر واقعی و ایجاد حرکت در انسان‌ها، آن‌ها را در همان جایی که هستند، با پردازش جهانی پر رمز و راز به هیجان می‌آورد.

## ۵- یازده دقیقه

سوگواری قلم در فراق ادب تحلیل و نقد کتاب یازده دقیقه اثر پائولو کوئیلو نویسنده معنویت‌گرای برزیلی که به زعم خود مروج معنویت در جهان امروز است در نوشته‌ای متفاوت از دیگر آثارش، هنر نویسندگی خود را با موضوعی پیوند زده

۱. کوه پنجم، ص ۲۸

که به معنویت ادعایی وی مهر انحطاط زده است. کوئلیو که در کتاب های دیگرش درصدد حل معمای «هدفمندی» بر آمده و تلاش می کرد با ارائه ایده ها و طرح مفاهیم معنوی، نشاط و سرزندگی را به حیات آدمیان برگرداند در این کتاب موضوع سکس را انتخاب نموده است و به ماجرای زندگی دخترکی فاحشه و روسپی به نام «ماریا» پرداخته است. ماریا همچون دیگر قهرمانان کتب کوئلیو فردی سرگردان و بلا تکلیف است و در پی یک زندگی مطلوب و کسب تجربه های لازم به ماجراجویی می پردازد. وی در جستجوی چیزی است که به زندگی او مفهوم ببخشد. دخترک گاهی به تبدیل شدن به ستاره بین المللی می اندیشد گاهی به ثروت، گاهی به شوهر ایده آل و گاهی به تجربه متفاوت جنسی و گاهی به مبارزه برای زنده ماندن<sup>۱</sup> و گاهی هم مطلوب وی «جستجوی خویشتن» است<sup>۲</sup> در نهایت نیاز خود را در عاشق شدن و عشق ورزیدن می بیند و بس<sup>۳</sup>

#### ۱-۵ نقد کتاب یازده دقیقه:

کوئلیو طبق معمول منکر برنامه و حیانی برای اداره زندگی بشر می شود و از زبان یک کشیش می گوید: «آن چه خداوند از ما انتظار دارد نمی دانیم، اجدادمان نیز نمی دانستند.»<sup>۴</sup> در کتاب یازده دقیقه چند محور اساسی مورد توجه و استفاده مولف قرار گرفته

۱. (ص ۶۳)

۲. همان ص ۱۲۳

۳. همان ۲۵۰

۴. همان ۲۷۴

است.<sup>۱</sup>

## الف) عشق

در این کتاب نویسنده تلاش می کند ارتباط جنسی آزاد را با عشق گره بزند و بین این دو ارتباطی ناگسستنی ایجاد نماید. موضوع عشق چنان در این کتاب پر رنگ است که گویا ماریا برای دستیابی به عشق و عاشق ماندن حاضر است تمامی سختی ها و حتی سوء برداشت ها و طعن و کنایه های اطرافیان را تحمل کند به گونه ای که این موضوع به بزرگترین موضوع زندگی ماریا تبدیل می شود تا جایی که اساساً او بخاطر عشق زنده است.<sup>۲</sup>

کوئلیو بارها به مطلوب بودن عشق و نیاز آدمیان به عشق می گوید.<sup>۳</sup> گاهی هم از عشق بعنوان احساس خطرناک و مخرب یاد می کند.<sup>۴</sup>

یکی از مشتریان ماریا که پسرکی به نام رالف است بعنوان احیا کننده عشق ماریا وارد جریان زندگی ماریا می شود. ماریا با وجود دلبستگی فراوان به رالف اصالت و اهمیت را به خود عشق می دهد نه به رالف.

این ایده برای ماریا قوت می گیرد که مهم، وجود عشق است نه معشوق، و عاشق ماندن مهمتر از وجود یا عدم معشوق است. اصولاً دیدن یا ندیدن رالف برای ماریا هیچ اهمیتی ندارد بلکه آن چه تعیین کننده است عاشق ماندن است. در این کتاب عشق به عنوان توجیه گر زندگی عنوان می شود. باید اضافه کرد این مفهوم از نگاه کوئلیو تعریف روشنی ندارد و در بیان آن تنها می توان گفت: «یک احساس است».

۱. همان ۱۵۱

۲. همان ۲۵

۳. همان ۲۷۴

۴. همان ۱۵۷/۲۶/۲۱/۱۵

### ب) بی هدفی و سرگردانی

کولینو بارها و بارها از بلا تکلیفی و شک و تردید و سرگردانی شخصیت های داستان سخن می گوید. در تبیین کولینو زندگی از عنصر «هدف» تهی است و منطق و غایتی برای زیستن تصویر نمی شود از همین جهت لازم است نگاه انسانها تغییر کند تا زندگی مفهوم یابد. دخترک از روی تحیر و بی هدفی، روسیگیری را انتخاب می کند و بارها در تصمیم خود شک می کند و منطق آن را مورد تجدید نظر قرار می دهد دست آخر آن چه باعث انگیزش دخترک می شود پول، کسب تجربه و ماجراجویی است.

واژه های مختلفی در کتاب بلا تکلیفی شخصیت های داستان را منعکس نموده اند و عبارات و سطور<sup>۱</sup> زیادی برای تبیین این سردرگمی به کار گرفته شده اند. این بلا تکلیفی بیش از ۳۰ بار در کتاب به بحث گذاشته شده است. (نمونه هایی از این مسئله در صفحات<sup>۲</sup> .. منعکس شده است)

مطالبی که مولف در ترویج اباحی گری و لا ابالیگری آورده همه و همه به خلاء «منطق زیستن» بر می گردد یعنی اگر خلاء «غایت معقول» نبود به قلم فرسایی کولینو در باب لا ابالیگری نیازی نبود.

توضیحات کولینو در باب اباحی گری عموماً با تایید و حتی تبلیغ همراه است<sup>۳</sup> آنچه در ترویج الکل و مشروبات الکلی و موسیقی و رقص و آواز خوانی و دود و سیگار و رقابت دختران برای جذب مشتری در این کتاب نگاشته شده بر فضای کتاب سایه انداخته و این اثر را به تبلیغ میخانه و توصیف عشرتکده تبدیل نموده

۱. همان ص ۱۵/۲۶/۱۵۷

۲. ۸۷/۸۹/۹۳/۹۴/۹۸/۱۰۱/۱۰۵/۱۱۱/۱۱۵/۱۱۸/۱۲۸/۱۳۵/۱۳۶/۱۴۱/۱۴۲/۱۴۴/۱۴۶/۱۴۸/۱۴۹/۱۵۵/۱۵۸

۳. (ص ۳۱/۳۹/۶۶/۶۷/۹۳/۱۰۰)



است.

### ج) سکس و ارتباطات آزاد جنسی

کوئیلو در کتابش برای برگرداندن آبروی رفته و توجیه کار نویسندگی خود روسپیگری را تهدیدی برای ثبات خانواده به حساب نمی آورد و از تلاش روسپی ها برای پایدار ماندن زندگی مشتریان خود سخن می گوید.<sup>۱</sup>

از طرف دیگر آزادی که انتخاب در ارتباط جنسی را به همراه دارد از نگاه نویسنده یک مطلوب تلقی می شود. از آنجا که کتاب به سرگذشت یک<sup>۲</sup> روسپی مربوط می شود کوئیلو در موارد متعدد به جزئیات ارتباطات جنسی وارد شده و بازگو کردن فنون، حالتها و روش های روابط جنسی را برای خود به صورت یک ماموریت در آورده است. در یک جمله می توان گفت این کتاب در توصیف سکس است که این توصیف از این جهت که با تکرارهای بی مورد و ملال آور همراه شده از تبلیغ سکس و ترویج آن نمی تواند جدا باشد.

در یک رصد محتوایی، رقم صفحاتی که به صراحت به این موضوع پرداخته شده به ۲۰ فراز بالغ می شود.

با تاسف باید گفت این اثر به طور ناشایستی به جزئیات این موضوع پرداخته به گونه ای که بدآموزی ها و آموزش های منفی زیادی را تعلیم و آموزش می دهد. این آموزش های منفی لایه های مختلفی دارد از توصیف یکی از مشتریان ماریا بعنوان پاک ترین فرد زندگی<sup>۳</sup> تا توصیف میخانه به «مکان آبرومند» و «مکانی که عده ای در آن حضور دارند که قادرند نور را در چهره دیگران کشف کنند» و توصیف فاحشه گری بعنوان امری که به استحکام خانواده لطمه ای نمی زند و

۱. همان ص ۲۱۰

۲. همان ص ۸۱ و ۱۰۵

۳. همان ص ۲۵۹

این موضوع با پایداری خانواده مشتری منافاتی ندارد و این که سکس ضد ارزش محسوب نمی شود و سکس فراتر از یک ملاقات ساده است بلکه عاملی برای فراموشی مشکلات و آرامش یافتن طرفین است.

از همه این ها بالاتر «ترویج خشونت» است که به عنوان راهی تسکین دهنده و آرامش بخش به مخاطب معرفی می شود.

کوئلیو در ضمن پرداختن به موضوع ارتباط آزاد جنسی، پرده از رازی بر می دارد که از نگاه او انسان را به مرز «خود» نزدیک می کند و نوعی خودشناسی به دنبال دارد و آن «رنج کشیدن و تحقیر شدن» است. گویا سکس می تواند منجر به این گونه<sup>۱</sup> خودشناسی شود و انسان را به حالتی برساند که ضمن رنج، لذت ببرد.

در نگاه وی یکی از راههای لذت، رنج کشیدن و رنج دادن دیگران است<sup>۲</sup> انگار آزار دادن به دیگران از اصول زندگی انسان ها محسوب می شود.<sup>۳</sup> این رنج خود ساخته نوعی از نور برای انسان به ارمغان می آورد و خلایقی همچون بهشت برای انسان ایجاد می کند<sup>۴</sup> در این رنج کشیدن و تحقیری که از ناحیه دیگران متوجه انسان می شود انسان به دنیای دیگری می رود و احساس مذهبی به او دست می دهد<sup>۵</sup> و انسان احساس آزادی کامل می یابد.<sup>۶</sup>

### پیوند معنویت و خود فروشی

آن چه یک انحراف واضح و مغالطه روشن را در پی دارد و در نتیجه یک آسیب

۱. همان، ص ۲۵۹.

۲. همان، ص ۲۳۶/۲۳۸/۲۳۹/۲۴۰.

۳. همان، ص ۲۲۶.

۴. همان، ص ۲۴۲/۲۴۰.

۵. همان، ص ۲۲۳.

۶. همان، ص ۲۲۴/۲۲۸.

اجتماعی برای اجتماع در پی دارد و یک کج راهه برای انسانهای معنویت گرا ایجاد می کند ارتباطی است که کوئیلو بین معنویت و بی بندباری برقرار نموده است. وی بیش از ۳۰ مورد از « وجود نور» در چهره دخترک فاحشه صحبت به میان می آورد و برای روسپی گری تاریخی مقدس می شمارد و ادعا می کند معنویت با روسپی گری منافاتی ندارد و در صفحات متعددی ابتذال معنویت ادعایی خود را به نمایش می گذارد.

## ۶- کتاب بریدا

پائولو کوللیو در این کتاب به ترویج جادوگری پرداخته و با بیان مسائلی ناتمام و ناقص در خصوص جادوگری، آن را یکی از راههای تکامل معرفی می کند که می تواند انسان را در حل مشکلات خود یاری کند. از آنجا که او بخشی از عمر خود را در راه جادوگری سپری نموده از این رو در بسیاری از آثار خود به ترویج آن می پردازد.

بریدا نام دختر جوانی است که در مسیر آموزش جادوگری افتاده و می خواهد آیین جادوگری بیاموزد. با اینکه این دختر نامزد دارد ولی در مسیر آموزش جادوگری، با مرد جادوگری ارتباط برقرار کرده و با او رابطه‌ی عاشقانه دارد. او درباره نقش نیروی جنسی برای رسیدن به مقامات معنوی می نویسد: برای تحقق تشرّف، باید با این نیرو آشنا شوی... چه طور آشنا شوم؟ یک فرمول ساده است که در تمام مدت رابطه جنسی، از حواس پنج گانه ات استفاده کن. اگر در لحظه اوج لذت جنسی، همه این حواس با هم از راه برسند، برای تشرّف پذیرفته می شویدی<sup>۱</sup> در لحظه اوج لذت جنسی، حواس پنج گانه ناپدید می شود و وارد جهان جادو می شویم؛ دیگر

۱. همان، ص ۲۵۱/۲۰۹.

نمی‌توانیم ببینیم، بشنویم، بچشمیم، لمس کنیم یا ببوئیم. در آن چند ثانیه طولانی، همه چیز ناپدید می‌شود و خلسه‌ای جای آن‌ها را می‌گیرد؛ خلسه‌ای کاملاً مشابه خلسه‌ای که عرفا پس از سال‌ها پرهیزگاری و ریاضت به آن می‌رسند.<sup>۱</sup>

## ۶-۱ نقد کتاب بریدا

کوئلیو در این کتاب همانند کتاب کیمیاگر به ترویج جادوگری پرداخته و با بیان مسائلی ناتمام و ناقص در خصوص جادوگری، آن را یکی از راه‌های تکامل معرفی می‌کند که می‌تواند انسان را در حل مشکلات خود یاری کند. از آنجا که او بخشی از عمر خود را در راه جادوگری سپری نموده از اینرو در بسیاری از آثار خود به ترویج آن می‌پردازد در حالی که هیچ چهره‌ی شفاف و روشنی از جادوگری ارائه نمی‌دهد. یکی از انحرافات فکری کوئلیو پرداختن به مسائل جادوگری است. تاریخ نشان داده است که گروه جادوگران همیشه در مقابل انبیای الهی بوده‌اند و همان قدر که انبیا در راه هدایت مردم کوشیده‌اند، جادوگران راه ضلالت را پیموده‌اند. علت اساسی ترویج این مسئله را در چند چیز می‌توان جست که عبارت‌اند از: مجهول بودن، عوامیت مردم و بی‌محتوایی. چون مسئله جادوگری ذاتاً یک امر مجهولی بوده و کسی از آن اطلاع درستی ندارد، از اینرو ادعایی جادوگران برای همگان ممکن است. زیرا جادوگری همانند علوم رایج و مرسوم بشری نیست که چارچوب خاصی داشته باشد و همگان با آن آشنا بوده و بتوانند در آن خصوص اظهار نظر کنند به همین دلیل کوئلیو می‌تواند هر خشک و تری را تحت جادوگری به خورد مردم بدهد. و یکی دیگر از رموز موفقیت کوئلیو عوام بودن مردم است. خصوصاً مغرب‌زمینیان که از فلسفه و عرفان عمیقی برخوردار نبوده و خرافه‌پرستی در آنجا

۱. همان، ص ۲۵۹

ریشه‌دار و شایع می‌باشد. به همین دلیل در آنجا و در ایران بیشترین خوانندگان آثار کوئلیو را عوام‌الناس تشکیل می‌دهند و از اینرو آثار کوئلیو را مطالب بی‌محتوا تشکیل داده است زیرا خالی بودن هیچ زحمتی ندارد. پُر بودن است که به اندازه پُری هر چیزی زحمت خاص خود را خواهد داشت.<sup>۱</sup>

---

۱. بریدا، ترجمه آرش حجازی و بهرام جعفری، ص ۱۹۲ و ۱۹۳.

## مروّجان نشر آثار کوئلیو در ایران

به دلیل آنکه ابزار اصلی کوئلیو در نشر افکارش، قالب رمان و داستان است، بنابراین، عمده ترین عاملان و ترویج دهندگان<sup>۱</sup> آثار او در ایران، مترجمان و ناشرانی هستند که آثار او را در ایران ترویج و تبلیغ می کنند، هرچند مروّجان او منحصر به مترجمان و ناشران نیستند.

اولین بار در سال ۱۳۷۴ با انتشار کتاب کیمیاگر آثار پائولو کوئلیو وارد ایران شد. اولین مترجم کوئلیو در ایران خانم دل آرا قهرمان است. وقتی کیمیاگر با ترجمه او برای اولین بار منتشر شد، هیچ کس پائولو را نمی شناخت. کتاب را یکی از دوستان قهرمان از پاریس برایش فرستاد. دانشجویان و گروه های گوناگون کتاب را می خواندند و دل آرا قهرمان را برای سخنرانی دعوت می کردند.<sup>۲</sup>

پس از او، طاهره صدیقیان، حسین نعیمی، مریم افراشی، آرش حجازی، حسین شهرابی، سوسن اردکانی، بهرام جعفری، فریبا ریاضی، کیومرث پارسای، محمد مجلسی، محمود سلطانی، میترا میرشکار، شیرین لارودی، و ناهید ایران نژاد از دیگر مترجمان آثار کوئلیو محسوب می شوند<sup>۳</sup> کمیت رو به رشد آثار این نویسنده سبب شده بود بعضی به ترجمه یک یا دو اثر از او اکتفا کنند و بعضی دیگر دستپاچه و هیجان زده، ترجمه های دست و پاشکسته روانه بازار کتاب کردند.<sup>۴</sup>

۱. بریدا، ترجمه آرش حجازی و بهرام جعفری، ص ۲۰۳.

2. [www.salamatiran.com](http://www.salamatiran.com)

۳. شهاب شهرزاد، زندگی و آثار پائولو کوئلیو، ص ۷۰

۴. شهلا زرلکی، جاودگر سرزمین سامبا، بررسی و نقد آثار پائولو کوئلیو، ص ۱۰۹

اما شاید برای کسانی که خواننده ترجمه های آثار کوئلیو در ایران هستند، نام آرش حجازی از دیگر مترجمان آشناتر باشد. حجازی دارای مجوز رسمی و انحصاری از شخص کوئلیو برای ترجمه آثار او در ایران است.<sup>۱</sup> او انتشارات «کاروان» را در سال ۱۳۷۶ تأسیس کرد و سه سال بعد کوئلیو را به ایران دعوت کرد و در همین سفر کوئلیو امتیاز انحصاری ترجمه آثارش را به او و انتشارات «کاروان» داد. هرچند چون قانون «کپی رایت» در ایران معتبر نیست، ناشران دیگری نیز به چاپ و انتشار آثار کوئلیو پرداخته اند. آرش حجازی همان کسی است که در جریان کشته شدن ندا آقاسلطان در اغتشاشات پس از انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸ در صحنه حادثه بود و متهم به دست داشتن در قتل ندا آقاسلطان است. وی چند روز پس از حادثه، از کشور فرار کرد و به انگلستان پناهنده شد. جالب اینجاست که پائولو از مقامات انگلیس خواست تا ویزای آرش حجازی، دانشجوی دانشگاه آکسفورد بریتانیا، را تمدید کنند تا مجبور به بازگشت به ایران نباشد.<sup>۲</sup>

علاوه بر انتشارات «کاروان»، که ناشر رسمی آثار پائولو در ایران است، ۱۶ ناشر دیگر نیز آثار وی را منتشر نموده اند<sup>۳</sup> اما این تعداد روز به روز در حال گسترش بود.<sup>۴</sup> تعداد این ناشران تا سال ۲۰۰۵ (۱۳۸۴) به ۲۸ ناشر رسیده است.<sup>۵</sup>

---

۱. این مجوز همراه دستخط کوئلیو در مقدمه اغلب کتاب‌هایی که از وی ترجمه و انتشار داده، درج گردیده است.

2. [www.asriran.com](http://www.asriran.com)

۳. [www.manaviat.com](http://www.manaviat.com) - حمید نگارش، «رهبران تباهی»، مریبان، ش ۳۴، در ۲۲  
۴. ۲۳۳۶- نگارنده با مراجعه به لیست کتاب‌های موجود درباره پائولو کوئلیو در کتابخانه تخصصی ادبی و هنری وابسته به دفتر تبلیغات قم تعداد ۲۳ ناشر که کتاب‌های وی را به چاپ رسانده‌اند احصا کرده است؛ از جمله انتشارات: ثالث، روزبهان، روایت، فکر روز، البرز، فرزانه روز، نی نگار، فرهنگ کاوش، ندای دانش، محراب دانش، میترا، جامی، پر، نگارستان کتاب، افراز، زرین، شیرین، دنیای نو، فکر نو، پیکان، بهجت، علم، مرکز.

5. [www.arman.parsiblog.com](http://www.arman.parsiblog.com)

از عاملان دیگری که نقش مهمی در سفر کوئلیو به ایران داشتند، سیدمحمد خاتمی، رئیس مرکز بین المللی گفت و گوی تمدن ها و عطاءالله مهاجرانی، وزیر وقت فرهنگ و ارشاد اسلامی در دوره اصلاحات هستند. آرش حجازی با همکاری این دو نهاد و مهاجرانی در دوره اصلاحات، توانست پائولو کوئلیو را در خرداد ماه ۱۳۷۹ به ایران بیاورد. این سفر در استقبال از آثار کوئلیو تأثیرات بسزایی داشت و موجب شد آثار کوئلیو در دهه ۸۰ به چاپ های متعدد برسد.





## علل حمایت سران رژیم صهیونیستی از کوئلیو:

کوئلیو در سال ۲۰۰۱ برای سخنرانی به اجلاس «داووس» دعوت شد و تنها شخصیت های عالی رتبه کشورهای قدرتمند سیاسی و اقتصادی در آن حضور می یابند و حتی شخصیت های رده دوم اجازه ورود به این اجلاس را ندارند. کوئلیو در این نشست، درباره آثار خود و نوع عرفانی که القا می کند، مطالبی بیان داشت! در آن نشست، شیمون پرز (از مسئولان عالی رتبه رژیم صهیونیستی) از او قدردانی کرد و گفت: «معنویتی که شما مبلغ آن هستید در خاورمیانه بسیار برای ما مفید است و ما بدین شیوه، می توانیم صلح و آرامش یهودیان را در کشور خود حکم فرما کنیم»<sup>۱</sup> این مطلب دلیل روشنی است بر نوع عرفانی که از سوی کوئلیو ترویج می شود؛ همان معنویت و عرفانی که با ترویج تساهل و تسامح و اباحگیری روحیه جهاد و مبارزه را از مسلمانان فلسطینی به نفع غاصبان اسرائیلی می گیرد. از همین رو، برخی از صاحب نظران پائولو کوئلیو را متعلق به نوعی از جریان معنویت منسوخ اومانیستی می دانند که به شدت مورد توجه نظام سلطه است و توسط رسانه های وابسته تبلیغ و ترویج می شود؛ معنویتی که فاقد شریعت است و بر آموزه های مسیحیت یهودی شده (یا همان صهیونیسم مسیحی) تأکید دارد، اگرچه رابطه پائولو کوئلیو و کانون های صهیونیستی بسیار مستحکم تر از این است. خود وی در مصاحبه ای که در ۱۹ دسامبر ۲۰۰۷ با نشریه فوکوس مونیخ انجام داد، به رابطه گسترده اش با این محافل اشاره کرد. کوئلیو در آن مصاحبه گفت: «برای ۱۰ سال است که عضو مرکز "شیمون پرز برای صلح" (Shimon Perez Center for Peace) هستم. این نهادی است که به خود آقای پرز متعلق است و تلاش هایی را

۱. احمدحسین شریفی، درآمدی بر عرفان حقیقی و عرفان های کاذب، ص ۸۰

که برای برقراری صلح در خاورمیانه انجام می شود، سازمان می دهد.»

پائولو کوئلیو پیش از این نیز به دعوت نخست وزیر رژیم صهیونیستی، به عضویت «بنیاد شورای مدیران بنیاد پرز» درآمده بود و در یکی از سفرهایش از دست شیمون پرز به خاطر خدماتش به عالم ادبیات و عرفان، جایزه دریافت کرد. در همان مراسم، شیمون پرز آرزو کرده بود که آثار کوئلیو در تمام دنیا منتشر شود و بیشترین مخاطب را داشته باشد.

بنابر آماري که از سوی برخی مراکز انتشاراتی غرب ارائه شده، انتشار آثار کوئلیو پس از کتاب مقدس بیشترین هزینه و سرمایه را در دنیا به خود اختصاص داده و به همین دلیل، از گسترده ترین چاپ و توزیع جهانی برخوردار بوده است.<sup>۱</sup>

## نتیجه گیری

انسان ایده‌آلی که کوئیلو در رمان‌ها و داستان‌هایش به توصیف آن می‌پردازد از نگاه وی انسان ماجراجویی است که بر اساس خواسته‌های نفسانی و احساس‌های درونی حرکت می‌کند. او در حالی قهرمان‌های داستانی را به عنوان الگو و انسان ایده‌آل معرفی می‌کند که از یک جهت دچار انحراف‌های عقیدتی هستند و به خرافه و احساس‌های غیرمعقول رو آورده‌اند - نظیر: اعتقاد به سحر و جادو، سرنوشت محتموم، فرمانبری از ندای درون - و از طرفی در رفتار، گریزان از دین و مذهبی هستند که او را محدود کرده و برای رهایی از آن، آزادی، بی‌بندوباری و مباح شمردن کارهای ناروا را سرلوحه کار خود قرار داده است. با جمع‌بندی ویژگی‌هایی که کوئیلو برای انسان مطلوب خود بیان می‌کند، می‌توان به این نتیجه رسید که انسان ایده‌آل وی بازگو کننده ویژگی‌های شخصی خود کوئیلو است که او قصد دارد در داستان‌هایش به صورت پازلی هماهنگ به تبیین آن بپردازد. انسانی که به دنبال برقرار کردن ارتباط با دنیای نامرئی دیگری است که وی این دنیای تخیلی را از راه سحر و جادو امکان پذیر می‌داند به طوری که انسان با ارتباط با جهان نامرئی و مرموز به رویاها و خواسته‌های دل دست می‌یابد و با احساس برآمده از دل به سعادت و تکامل نائل می‌آید که او آن را در عشق خلاصه می‌کند. او نهایت این عشق را در ارتباط جنسی آزاد خلاصه می‌کند و به این ترتیب انسان ایده‌آل او همان انسان بی‌بندوباری است که در پی رهایی از هر قیدی و بندی تلاش می‌کند.

**نکته:** استاد معارف این مباحث را در دروس اندیشه اسلامی ۱ و ۲ و اخلاق اسلامی می‌تواند مطرح کند و با آگاهی از نظرات پائولو کوئلیو این شخصیت را نقد کند و دانشجویانی که خواسته یا ناخواسته کتاب‌های او را مطالعه می‌کنند، آگاهی

بخشد و بجای عرفان های کاذب آنها را به شناخت شخصیت معصومین و معارف  
بی نهایت کلامشان و تفسیر کلام وحی از زبانشان رهنمود سازد.

ارائه نظرات و پیشنهادات:

<https://survey.porsline.ir/s/jbzHdJ6>